

مباحث نظری و فنی آمارهای مالی بخش عمومی

بر اساس GFS 2001

(مطالعه موردی برای سال ۱۳۸۴)

مجری طرح

فریده برادران خسروشاهی

همکاران اصلی طرح

نرگس برادران خسروشاهی، علی اصغر خوانساری

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده‌ی آمار

خرداد ۱۳۸۷

به نام خداوند جان و خرد

پیش‌گفتار

پاسخ به این‌که دولت عمومی و در مفهومی وسیع‌تر بخش عمومی چیست؟ اندازه آن چقدر است؟ اثر سیاست‌های اقتصادی دولت بر سایر بخش‌ها چگونه است و پاسخ به سوالات بسیار دیگر از طریق سیستم آمارهای مالی دولت میسر است. سیستم آمارهای مالی دولت (GFS) سیستمی پذیرفته شده در سطح بین‌المللی برای جمع‌آوری و ارائه داده‌های آماری فعالیت‌های مالی دولت است که مناسب برای تحلیل‌های اقتصادی، برنامه‌ریزی و تعیین سیاست‌های دولت می‌باشد. اجرای این سیستم گامی اساسی در جهت جمع‌آوری و ارائه داده‌های آماری به صورتی استاندارد و قابل مقایسه با سایر کشورها، بهبود سیستم‌های حسابداری دولت و شفاف‌سازی عملیات دولت است.

هدف از این بررسی، شناسایی دولت و بخش عمومی، اندازه‌گیری آن‌ها و تهیه چارچوبی مفهومی-حسابداری به منظور فراهم کردن زمینه تحلیل‌های مالی و اقتصادی دولت و بخش عمومی است. به عبارت دیگر، فراهم کردن اطلاعاتی در چارچوب سیستم آمارهای مالی دولت به منظور استفاده از آن در تحلیل‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی است.

این پژوهش با همکاری خانم‌ها فریده برادران خسروشاهی (مجری طرح)، نرگس برادران خسروشاهی (پژوهشگر آزاد) و آقای علی اصغر خوانساری (پژوهشگر آزاد) به انجام رسیده است که از همه آن‌ها سپاسگزاری می‌شود.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

خرداد ۱۳۸۷

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	فصل اول- مبانی نظری آمارهای مالی دولت
۵	مقدمه
۶	۱- کاربردهای سیستم آمارهای مالی دولت
۷	۲- ساختار و ویژگی‌های سیستم آمارهای مالی دولت
۸	۳- پوشش سیستم آمارهای مالی دولت
۹	۱- ۳- بخش‌ها و واحدهای نهادی
۱۱	۲- ۳- دولت و زیربخش‌های آن
۱۴	۳- ۳- بخش عمومی
۱۵	۴- اقامت
۱۶	۵- جریان‌ها، موجودی‌ها و قواعد حسابداری
۱۷	۱- ۵- انواع جریان‌ها
۱۸	۲- ۵- قواعد حسابداری
۲۱	۶- چارچوب تحلیلی
۲۱	۱- ۶- صورت وضعیت عملیات دولت
۳۸	۲- ۶- صورت وضعیت سایر جریان‌های اقتصادی
۳۸	۳- ۶- ترازنامه
۴۱	۴- ۶- صورت وضعیت منابع و مصارف نقدی
۴۱	۵- ۶- شاخص‌های تحلیلی برای سیاست‌های مالی
۴۵	فصل دوم- شناسایی بخش عمومی در ایران
۴۵	مقدمه
۴۷	بخش اول- دولت

۴۷	الف- قوه مجریه
۶۱	ب- قوه قضائیه
۶۲	پ- قوه مقننه
۶۹	ت- شهرداری ها
۶۹	ث- صندوق های تامین اجتماعی
۷۱	بخش دوم- شرکت های دولتی
۷۲	۱- تعریف
	۲- جامعه شرکت های دولتی
۱۱۰	بخش سوم- نهادهای عمومی غیردولتی
۱۲۷	فصل سوم- امکان سنجی تهیه داده های آماری مورد نیاز
۱۲۷	۱- داده های آماری مورد نیاز
۱۲۸	۲- منابع تأمین داده های آماری مورد نیاز
۱۲۸	۱-۲- دولت
۱۲۹	۲-۲- شرکت های دولتی
۱۳۰	۳-۲- نهادهای عمومی غیر دولتی
۱۳۱	فصل چهارم- فرآیند محاسبات و نتایج حاصله
۱۳۱	۱- فرآیند محاسبات
۱۳۱	۱-۱- دولت
۱۳۵	۲-۱- شرکت های دولتی
۱۳۶	۳-۱- نهادهای عمومی غیر دولتی
۱۳۷	۲- نتایج حاصله
۱۳۷	۱-۲- درآمدها
۱۵۰	۲-۲- هزینه ها
۱۷۹	۳-۲- خالص تحصیل دارایی های غیرمالی
۱۸۰	۴-۲- صورت وضعیت عملیات دولت و شرکت های دولتی

۲۱۱ فصل پنجم- برخی یافته‌های مهم
۲۱۱ ۱- یافته‌های مهم در بخش درآمدی
۲۱۴ ۲- یافته‌های مهم در بخش هزینه‌ای
۲۱۸ ۳- یافته‌های مهم خالص تحصیل دارائی‌های غیرمالی
۲۲۳ منابع و ماخذ

فصل اول

مبانی نظری آمارهای مالی دولت

مقدمه

سیستم آمارهای مالی دولت (GFS) سیستم آماری تخصصی اقتصاد کلان را تشریح می‌کند که برای پشتیبانی تحلیلی‌های مالی طراحی شده است. هدف اصلی از تهیه سیستم آمارهای مالی دولت تهیه چارچوب مفهومی و حسابداری جامعی، مناسب برای تحلیل و ارزیابی سیاست مالی به خصوص عملکرد بخش دولت عمومی و در سطحی وسیع‌تر بخش عمومی هر کشور است. بخش دولت عمومی شامل دستگاه‌هایی است که سیاست عمومی را اساساً از طریق ارائه خدمات غیربازاری و توزیع مجدد درآمد و ثروت تحقق می‌بخشند که هر دو این فعالیت‌ها عمدتاً با وضع مالیات‌های اجباری بر سایر بخش‌ها تأمین مالی می‌شوند. بخش عمومی از بخش دولت عمومی و واحدهای تحت کنترل آن تشکیل می‌شود که گروه اخیر شرکت‌های عمومی نامیده می‌شوند و عمده فعالیت آن‌ها فعالیت‌های تجاری است.

تحلیل‌گران بخش عمومی برای تجزیه و تحلیل اندازه بخش عمومی، سهم آن در کل تقاضا، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، اثر سیاست‌های مالی بر اقتصاد شامل استفاده از منابع، وضعیت پولی، بار مالیاتی، تعرفه حمایتی به طور سنتی از آمارهای مالی استفاده می‌کنند. به علاوه تحلیل‌گران به ارزیابی اثربخشی هزینه بر کاهش فقر، ثبات سیاست‌های مالی، خالص بدهی، خالص ثروت و مطالبات احتمالی به عهده دولت از جمله تعهدات مستمری بازنشستگی تأمین اجتماعی توجه روزافزونی از خود نشان داده‌اند.

برای دستیابی به اهداف تحلیلی فوق‌بیش‌تر اوقات لازم است به جای استفاده از آمارهای بخش دولت عمومی از آمارهای بخش عمومی استفاده شود. شرکت‌های عمومی^۱ مالی و غیر مالی می‌توانند سیاست‌های مالی دولت را به طرق مختلف تحقق بخشند و تجزیه و تحلیل فعالیت‌های مالی آن‌ها اغلب به جای آمارهای مبادلات خاص نیازمند آمار کل فعالیت آن‌ها است. حتی زمانی که آمارها فقط برای بخش دولت عمومی تنظیم شوند برخی اطلاعات شرکت‌های عمومی برای انعکاس وضعیت حقوق صاحبان سهام آن‌ها که توسط واحدهای بخش دولت عمومی اداره می‌شوند مورد نیاز است.

۱- کاربردهای سیستم آمارهای مالی دولت

تهیه و تدوین سیستم آمارهای مالی دولت، به منظور فراهم آوردن آمارهایی است که سیاستگذاران و تحلیلگران را قادر می‌سازد تا پیشرفت‌های ایجاد شده در فعالیت‌های مالی، موقعیت مالی و وضعیت نقدینگی بخش دولت عمومی یا بخش عمومی را در قالب روشی پایدار و نظام‌مند مطالعه کنند. چارچوب تحلیلی آمارهای مالی دولت می‌تواند برای تجزیه و تحلیل فعالیت‌های سطوح مختلف دولت و مبادلات بین سطوح دولتی، همچنین بخش دولت عمومی^۲ یا بخش عمومی مورد استفاده قرار گیرد.

سیستم آمارهای مالی دولت (GFS) برای تولید اطلاعات موجزی از عملکرد کلی و موقعیت مالی بخش عمومی و بخش دولت، از یکسری اقلام تراز کننده نظیر خالص تراز عملیاتی، خالص وام‌دهی و وام‌گیری و تغییر در ارزش ویژه استفاده می‌کند. این اقلام تراز کننده در چارچوب حسابداری یک‌پارچه و جامعی چون سیستم آمارهای مالی دولت به قابل‌اجراترین شکل تعریف و اندازه‌گیری می‌شوند.

از آمارهای تفصیلی سیستم آمارهای مالی دولت می‌توان برای بررسی سطوح مختلف فعالیت‌های دولتی استفاده کرد. به عنوان مثال این آمارها می‌توانند اطلاعاتی در مورد اشکال مختلف

^۱. Public corporation

^۲. از این به بعد به قصد تلخیص، به جای واژه "دولت عمومی" از واژه "دولت" استفاده خواهد شد.

مالیات‌بندی، سطح هزینه‌های انجام شده برای هریک از خدمات اجتماعی یا مقدار استقراض دولت از نظام بانکی را ارائه دهند.

هماهنگی سیستم آمارهای مالی دولت با دیگر سیستم‌های آماری اقتصاد کلان موجب می‌شود برای ارزیابی سهم دولت یا بخش عمومی در ارتباط با بقیه اقتصاد به‌توان داده‌های سیستم آمارهای مالی دولت را با داده‌های سایر سیستم‌ها ترکیب کرد. همچنین ایجاد معیارهای شناخته شده بین‌المللی این امکان را فراهم می‌کند که آمارهای مالی دولت در تحلیل فعالیت دولت‌ها در کشورهای مختلف نظیر مقایسه نسبت مالیات‌ها یا مخارج به محصول ناخالص داخلی، مورد استفاده قرار گیرد.

۲- ساختار و ویژگی‌های سیستم آمارهای مالی دولت

سیستم آمارهای مالی دولت، بخش عمومی شامل دولت (با همان تعریف SNA 93) را تحت پوشش قرار می‌دهد. این بخش‌ها برحسب واحدهای نهادی تعریف می‌شوند که به مثابه واحدهای اقتصادی هستند که می‌توانند دارایی‌هایی را تملک کنند، بدهی ایجاد نمایند و به منظور به دست آوردن حقوق خود با دستگاه‌های دیگر به فعالیت‌های اقتصادی و مبادله بپردازند.

در سیستم آمارهای مالی دولت دو نوع جریان: مبادلات و سایر جریان‌های اقتصادی ثبت می‌شود. در اغلب موارد مبادلات بین دو واحد نهادی که به واسطه توافق دو جانبه ایجاد می‌شوند آثار متقابل دارند. صورت وضعیت عملیات دولتی نتایج کلیه مبادلاتی را ثبت می‌کند که در طول یک دوره اتفاق می‌افتد. این مبادلات تحت عنوان: درآمد، هزینه، خالص تحصیل دارایی‌های غیرمالی یا خالص ایجاد بدهی، طبقه‌بندی می‌شوند. مبادلات درآمدی و هزینه‌ای منجر به تغییر در ارزش ویژه می‌گردند.

سایر جریان‌های اقتصادی شامل تغییرات در قیمت و طیف متنوعی از رویدادهای اقتصادی است که بر میزان دارایی‌ها و بدهی‌ها نظیر حذف بدهی‌ها و زیان‌های ناشی از حوادث مؤثرند. صورت وضعیت سایر جریان‌های اقتصادی، تغییرات در دارایی‌ها، بدهی‌ها و ارزش ویژه را به طور خلاصه ارائه می‌کند.

ترازنامه برای بخش دولت و یا بخش عمومی عبارت است از صورت وضعیت موجودی دارایی‌های مالی و غیرمالی تحت تملک، مطالبات سایر واحدها از صاحبان دارایی در قالب بدهی و در نهایت ارزش ویژه بخش که برابر مانده حاصل از کسر بدهی‌ها از دارایی‌ها است.

جریان‌ها و موجودی‌های ثابت شده در سیستم آمارهای مالی دولت به شیوه‌های متفاوتی طبقه‌بندی می‌شوند. به عنوان مثال مبادلات درآمدی براساس آن که مالیات باشد یا انواع دیگر درآمد، مبادلات هزینه‌ای براساس هدف یا موضوع اقتصادی آن‌ها، دارایی برحسب مالی یا غیرمالی بودن آن‌ها طبقه‌بندی می‌شوند.

۳- پوشش سیستم آمارهای مالی دولت

در سیستم آمارهای مالی دولت، تأکید اساسی بر دولت است ولی از آنجا که بخشی از وظایف دولت توسط شرکت‌های دولتی انجام می‌شود و متقابلاً فعالیت آن‌ها بر سیاست‌های دولت تأثیر می‌گذارد تهیه آمارها در سطح بخش عمومی هم توصیه شده است. سیستم آمارهای مالی دولت در اصل تمام واحدهای مستقلی را که به طور اساسی بر سیاست‌های مالی دولت اثر می‌گذارند، پوشش می‌دهد. سیاست‌های مالی به طور معمول از طریق موجودیت‌هایی^۱ نظیر وزارتخانه‌ها، که تماماً به عملکرد اقتصادی دولت اختصاص دارند، اعمال می‌شوند. علاوه بر این دستگاه‌ها، بنگاه‌های تحت مالکیت یا کنترل دولت نیز که عمدتاً مشغول عملیات تجاری هستند می‌توانند سیاست‌های مالی دولت را اعمال کنند. اگرچه این مؤسسات نظیر بانک مرکزی یا راه آهن ملی که شرکت عمومی تلقی می‌شوند بخشی از دولت محسوب نمی‌شوند اما آمارهای آن‌ها نیز باید جمع‌آوری شود.

^۱ Entities

۱-۳- بخش‌ها و واحدهای نهادی

تعریف بخش

کل اقتصاد یک کشور را می‌توان به بخش‌هایی تقسیم کرد که هر بخش شامل تعدادی واحد نهادی مقیم آن کشور است. در این تقسیم‌بندی، سیستم آمارهای مالی دولت از سیستم حساب‌های ملی پیروی می‌کند که اقتصاد هر کشور را به پنج بخش تقسیم کرده است. واحدهای هر بخش اهداف مشابهی دارند و این اهداف به نوبه خود با اهداف سایر بخش‌ها متفاوت است. این پنج بخش عبارتند از:

- شرکت‌های غیرمالی
- شرکت‌های مالی
- دولت
- مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوارها
- خانوارها

هریک از بخش‌های فوق به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل می‌توانند به زیر بخش‌هایی تقسیم شوند. به عنوان مثال دولت می‌تواند به زیر بخش‌های دولت مرکزی، ایالتی و محلی تقسیم شود.

تعریف واحد نهادی

هر واحد نهادی^۱ یک موجودیت اقتصادی است که می‌تواند به حساب خود دارایی تملک کند یا بدهی ایجاد نماید و در فعالیت‌ها و مبادلات با سایر موجودیت‌های اقتصادی مشارکت نماید. واحد آماری مورد استفاده در سیستم آمارهای مالی دولت، واحد نهادی است که اساس سیستم حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳ را نیز تشکیل می‌دهد. این واحدها قابلیت تملک دارایی، تقبل بدهی و اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی و مبادله با سایر موجودیت‌ها را دارند. دلایل متعددی برای انتخاب این واحدها وجود دارد:

^۱.Institutional unit

▪ یک واحد نهادی دارای اطلاعاتی است که براساس آن‌ها می‌توان مجموعه کاملی از حساب‌ها شامل ترازنامه تنظیم کرد. چنین حساب‌هایی تلفیق جریان‌ها و موجودی‌ها را امکان پذیر می‌سازند. این بدان معنی است که کلیه تغییرات ترازنامه طی دوره حسابداری می‌تواند با مبادلات یا سایر رویدادهای مشخص ثبت شده در سیستم ردیابی شود.

▪ اطلاعات مورد نیاز برای تنظیم آمارها معمولاً در دفاتر حسابداری قابل دسترسی هستند یا می‌توانند قابل دسترسی باشند.

▪ آمار مربوط به بخش دولت را می‌توان با آمار سیستم حساب‌های ملی ۱۹۹۳ هماهنگ نمود زیرا که موجودیت‌هایی که آمار برای آن‌ها تهیه می‌شود تعریف مشابهی دارند.

تعریف واحد نهادی در بخش دولت

بسته به پیچیدگی سازمان دولتی تشخیص واحد دولتی ممکن است مشکل باشد. همه ادارات، نمایندگی‌ها، شوراها، کمیسیون‌ها، حوزه‌های قضایی، تشکیلات قانونگذاری و سایر موجودیت‌هایی که دولت را تشکیل می‌دهند لزوماً واحد نهادی نیستند چرا که اختیار تملک دارایی، ایجاد بدهی، یا انجام مبادله به حساب خود را ندارند. بطور کلی کلیه موجودیت‌هایی که از طریق اعتبار مصوب هیأت مقننه تأمین مالی می‌شوند باید در یک واحد نهادی ادغام شوند.

فعالیت یک واحد دولتی به گستره جغرافیایی خود محدود نمی‌شود. به عنوان مثال وزارتخانه‌ها یا ادارات دولتی می‌توانند در حوزه فعالیت دولت گسترده باشند. با این حال به عنوان بخشی از همان واحد نهادی باقی می‌مانند. همچنین یک وزارتخانه یا سازمان می‌تواند شعباتی از اداره یا نمایندگی خود را برای برآورد نیازهای منطقه‌ای در نقاط مختلفی دایر کند. این اداره‌ها و نمایندگی‌ها بخشی از همان واحد نهادی هستند.

۳-۲- دولت و زیربخش‌های آن

۳-۲-۱- بخش دولت

بخش دولت شامل کلیه واحدهای دولتی و مؤسسات غیرانتفاعی غیربازاری است که تأمین مالی و کنترل آن عمدتاً از طرف واحدهای دولتی صورت می‌گیرد. واحدهای دولتی واحدهای نهادی هستند که انجام وظایف دولت وظیفه آنها است. دولت یک کشور شامل دستگاه‌های عمومی و حوزه‌های مربوطه است که به عنوان موجودیت‌هایی هستند که طی فرایندهای سیاسی پدید آمده و دارای اختیارات قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی در یک محدوده جغرافیایی معین می‌باشند. وظایف اصلی دولت در حوزه اقتصاد عبارت است از:

▪ به عهده گرفتن مسئولیت تهیه کالاها و خدمات برای جامعه به صورت غیر بازاری اعم از

مصارف فردی یا جمعی

▪ توزیع مجدد درآمد و ثروت از طریق پرداخت‌های انتقالی

مشخصه دیگر دولت این است که این فعالیت‌ها باید عمدتاً از طریق وضع مالیات یا سایر انتقالات اجباری تأمین مالی شوند. البته ممکن است دولت بخشی از فعالیت‌های خود را در یک دوره زمانی خاص از طریق استقراض یا تحصیل وجوه از منابعی به جز انتقالات اجباری نظیر درآمد بهره، فروش کالاها و خدمات ناشی از فعالیت فرعی یا اجاره دارایی‌های زیرزمینی تأمین مالی نماید.

کالاها و خدماتی که برای مصارف جمعی به جامعه ارائه شده است معمولاً شامل خدماتی نظیر امور عمومی، دفاعی و اجرای قانون است. طبق تعریف خدمات جمعی همیشه به طور رایگان ارائه می‌شوند. کالاها و خدمات ارائه شده برای مصارف فردی نوعاً عبارتند از آموزش، بهداشت، مسکن، خدمات تفریحی و فرهنگی. این خدمات ممکن است به طور رایگان ارائه شوند یا این که دولت به ازای آن بهایی مطالبه کند. کالاها و خدمات ارائه شده به جامعه ممکن است توسط دولت تولید یا خریداری شوند.

۲-۲-۳- زیر بخش های دولت

دو روش برای طبقه‌بندی زیر بخش‌های مربوط به دولت وجود دارد. روش اول به ترتیب زیر است:

- دولت مرکزی
- دولت ایالتی، استانی یا منطقه‌ای
- دولت محلی
- صندوق‌های تأمین اجتماعی

در روش دوم زیر بخش‌های دولت شامل موارد زیر است:

- دولت مرکزی به‌علاوه صندوق‌های تأمین اجتماعی که در سطح دولت مرکزی فعالیت می‌کنند.
 - دولت ایالتی به‌علاوه صندوق‌های تأمین اجتماعی که در سطح دولت ایالتی فعالیت می‌کنند.
 - دولت محلی به‌علاوه صندوق‌های تأمین اجتماعی که در سطح دولت محلی فعالیت می‌کنند.
- انتخاب بین دو روش طبقه‌بندی عمدتاً به چگونگی سازماندهی یا اهمیت صندوق‌های تأمین اجتماعی و دامنه استقلال مدیریتی آن‌ها از واحدهای دولتی که به آن تعلق دارند، بستگی دارد.

دولت مرکزی

اقتدار سیاسی دولت مرکزی یک کشور به وسعت قلمرو کشور بستگی دارد. دولت مرکزی می‌تواند بر کلیه واحدهای نهادی مقیم و غیرمقیم که در کشور به فعالیت اقتصادی مشغولند، مالیات وضع کند. مسئولیت خاص دولت مرکزی ارائه خدمات جمعی به نفع کل جامعه نظیر دفاع ملی، رابطه با دیگر کشورها، امنیت و نظم عمومی و کارکرد بهینه نظام اجتماعی و اقتصادی است. علاوه بر این دولت مرکزی هزینه ارائه خدماتی نظیر آموزش و بهداشت به نفع خانوارها را تقبل می‌کند و به سایر واحدهای نهادی، شامل دیگر سطوح دولت، پرداخت‌های انتقالی انجام می‌دهد.

گردآوری آمار برای دولت مرکزی به خصوص به دلیل نقش خاصی که در تحلیل‌های پولی و اقتصادی ایفا می‌کند، با اهمیت است زیرا عمدتاً دولت مرکزی است که در فشارهای تورمی یا ضد تورمی سیاست‌های مالی اعمال می‌کند. به طور کلی تنها در سطح دولت مرکزی است که بدنه

تصمیم‌گیری می‌تواند سیاست‌هایی را در سطح اهداف اقتصاد ملی به انجام برساند. سیاست اقتصادی در سطح ملی نه هدف سایر سطوح دولت است و نه آن‌ها همانند دولت مرکزی به اعتبارات بانک مرکزی دسترسی دارند.

زیر بخش دولت مرکزی در اغلب کشورها زیر بخش بزرگ و پیچیده‌ای است و به طور کلی شامل مجموعه‌ای از اداره‌ها یا وزارتخانه‌ها می‌شود که یک واحد نهادی مستقل را تشکیل می‌دهند.

دولت ایالتی، استانی یا منطقه‌ای

ایالت، استان یا منطقه بزرگ‌ترین حوزه جغرافیایی در داخل یک کشور است که بنا به اهداف اداری یا سیاسی تقسیم‌بندی شده است. قدرت قانونگذاری، قضایی و اجرایی یک دولت ایالتی تمام حوزه آن ایالت را در برمی‌گیرد و به سایر ایالت‌ها تسری پیدا نمی‌کند.

دولت محلی

قدرت اجرایی، قانونگذاری و قضایی واحدهای دولت محلی به کوچک‌ترین حوزه جغرافیایی محدود می‌شود که از منظر اداری و سیاسی قابل تشخیص است.

صندوق‌های تأمین اجتماعی

صندوق‌های تأمین اجتماعی نوع ویژه‌ای از واحدهای دولتی هستند که به اجرای یک یا چند طرح تأمین اجتماعی می‌پردازند. صندوق تأمین اجتماعی باید از شرایط عمومی واحدهای نهادی برخوردار باشند. این بدان معناست که سازماندهی صندوق‌های تأمین اجتماعی باید مستقل از سایر واحدهای دولتی بوده و باید بتوانند دارایی‌ها و بدهی‌های خود را به طور مستقل نگهداری کرده و به حساب خود به مبادلات مالی بپردازند.

هدف طرح‌های تأمین اجتماعی فراهم کردن منافع اجتماعی برای اعضای جامعه یا گروهی از افراد نظیر کارکنان یک بنگاه و وابستگان آن‌ها از محل وجوه حاصل از مشارکت‌های اجتماعی است. این طرح‌ها معمولاً مشارکت‌های اجباری کارکنان یا کارفرمایان یا هر دو را در برمی‌گیرد و دوره زمانی که طی آن کمک‌ها به دریافت کنندگان آن‌ها پرداخته می‌شود توسط دولت تعیین می‌گردد.

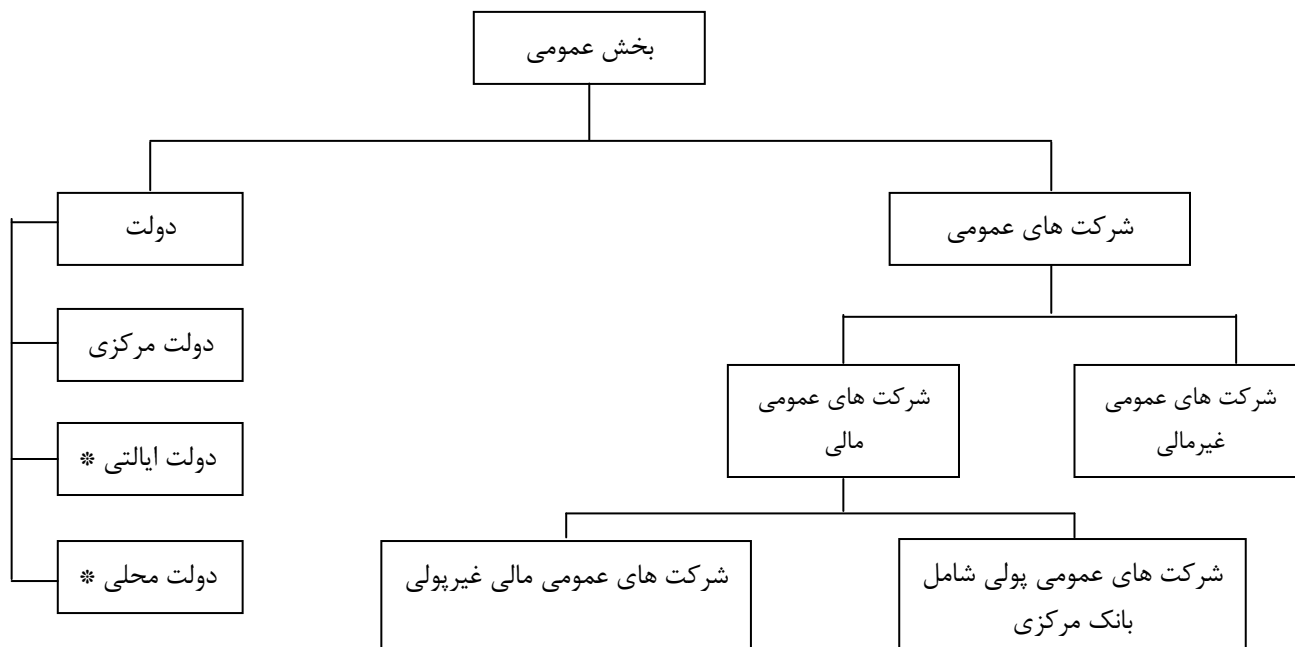
طرح‌های تأمین اجتماعی طیف گسترده‌ای از برنامه‌هایی نظیر فراهم کردن کمک‌های نقدی و غیرنقدی برای افراد مسن، موارد از کارافتادگی یا مرگ، بیماری و زایمان، آسیب دیدگی از کار، بیکاری، کمک هزینه، درمان و غیره را پوشش می‌دهد.

۳-۳- بخش عمومی

بخش عمومی از بخش دولت و شرکت‌های عمومی تشکیل شده است. شرکت‌های عمومی شرکت‌ها و شبه شرکت‌هایی هستند که توسط دولت کنترل می‌شوند. کنترل دولت به روش‌های زیر صورت می‌گیرد:

- مالکیت بیش از نیمی از سهام دارای حق رأی یا امکان کنترل رأی بیش از نیمی از سهامداران
- تعیین سیاست‌های شرکت یا انتخاب مدیر طبق قانون
- شرکت‌های عمومی به چهار گروه اساسی تقسیم می‌شوند:
 - شرکت‌های عمومی غیر مالی - کلیه شرکت‌های غیرمالی مقیم تحت کنترل واحدهای دولتی
 - شرکت‌های عمومی مالی غیر پولی - کلیه شرکت‌های مالی مقیم تحت کنترل واحدهای دولتی به استثنای بانک مرکزی و سایر شرکت‌های عمومی سپرده‌پذیر. شرکت‌های سپرده‌پذیر، شرکت‌های مالی، شبه شرکت‌ها یا مؤسسات غیرانتفاعی بازاری هستند که فعالیت اصلی آن‌ها واسطه‌گری مالی است و بدهی مالی آن‌ها به شکل سپرده یا ابزارهای مالی است که جایگزین مناسبی برای سپرده محسوب می‌شود.
 - شرکت‌های عمومی پولی غیر از بانک مرکزی - کلیه شرکت‌های سپرده‌گذار مقیم غیر از بانک مرکزی که تحت کنترل واحدهای دولتی می‌باشند.
 - بانک مرکزی شامل بانک مرکزی، شورای پول یا مراجع صلاحیت‌دار و مستقل پولی که پول ملی را چاپ می‌کنند و این پول دارای پشتوانه ارزشی خارجی است و همچنین سایر

نمایندگی‌های مرتبط دولتی که واحدهای نهادی مستقل بوده و وظیفه اصلی آن‌ها انجام فعالیت‌های بانک مرکزی است.



*- شامل صندوق‌های تأمین اجتماعی. در روش دیگر می‌توان صندوق تأمین اجتماعی را در یک بخش مجزا تنظیم کرد.

۴- اقامت

مفهوم اقامت برای تعیین پوشش نظام آمارهای مالی دولت و طبقه‌بندی مبادلات اهمیت دارد. اقتصاد کشور شامل مجموعه‌ای از واحدهای نهادی مقیم است و کل بخش دولت از کلیه واحدهای دولتی مقیم تشکیل شده است.

واحد نهادی در صورتی که دارای یک مرکز اقتصادی در قلمرو اقتصادی یک کشور باشد مقیم آن کشور محسوب می‌شود. اقامت در سیستم GFS بر پایه ملیت یا معیارهای قانونی نیست.

قلمرو اقتصادی یک کشور شامل قلمرو جغرافیایی تحت اداره یک دولت است. قلمرو اقتصادی لزوماً با مرزهای سیاسی یا فیزیکی یکسان نیست اما معمولاً ارتباط نزدیکی با این مرزها دارد.

قلمرو اقتصادی کشور به طور خاص شامل موارد زیر است: